****

[ادامه بحث وقوف در عرفات با عامه 1](#_Toc488767989)

[تتمه کلام آیت الله سیستانی 1](#_Toc488767990)

[استدلال محقق خوئی به روایت ابی الجارود 2](#_Toc488767991)

[مناقشه 3](#_Toc488767992)

[کلام مرحوم آیت الله شاهرودی 4](#_Toc488767993)

[نقد کلام مرحوم آیت الله شاهرودی 5](#_Toc488767994)

[نقد کلام آیت الله سیستانی 5](#_Toc488767995)

**موضوع**: احکام وقوف /وقوف در عرفات /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بحث وقوف در عرفات با عامه

بحث در اجزاء وقوف با عامه بود که تارة به عمومات تقیه استدلال شده کما عن السید الامام مثل ما صنعتم فی شیء فی تقیة فانتم منه فی سعة که گفته شده مقتضای اطلاق این روایت، عدم وجوب اعاده است و اخری به سیره متشرعه تمسک شده کما عن السید الخوئی.

### تتمه کلام آیت الله سیستانی

در مقابل آیت الله سیستانی فرمود در زمان ائمه علیهم السلام، حکام اموی و عباسی تابع فقه ابی حنیفه بودند و در امر هلال شدید بودند و مثل زمان ما نیست که تابع فقه احمد بن حنبل هستند که با شهادت یک نفر نیز هلال را ثابت می دانند، کما این که در روایات هم هیچگاه از اختلاف موقف سوال نشده و معلوم می شود که هیچگاه اختلاف موقف پیش نمی آمده است، فقهاء ما در عصر غیبت نیز هیچگاه این فرع را مطرح نکرده اند، مثل مبسوط شیخ که مشتمل بر مسائل تفریعیه است تا به زمان شهید ثانی می رسد که او نیز به عنوان یک قضیه فرضیه با کلمه «لو» این فرع را مطرح می کند: لو وقف العامّة بالموقفين قبل وقته لثبوت الهلال عندهم لا عندنا، و لم يمكن التأخّر عنهم لخوف العدو منهم أو من غيرهم فإنّ التقية هنا لم يثبت.[[1]](#footnote-1)

تا قرن 13 باز این مساله مسکوت است تا این که محقق قمی در جامع الشتات این مساله را مطرح کرده و حکم به عدم اجزاء کرده، محقق بهبهانی فرزند وحید بهبهانی نیز این مساله را مطرح کرده و حکم به اجزاء کرده و صاحب جواهر هم فرموده اجزاء بعید نیست، اما در کتاب مناسک خود نجاة العباد فرموده بنا بر احتیاط ان لم یکن اقوی مجزی نیست و شیخ انصاری هم بر آن حاشیه ای نزده است و همچنین میرزای شیرازی و محقق نائینی هم در مناسک خود فرموده مجزی نیست، لذا نمی توان ادعاء سیره بر اجزاء وقوف با عامه نمود.

لذا سیره متشرعه ثابت نیست، گاهی بر ائمه هلال ماه رمضان ثابت می شد، اما برای حکام ثابت نمی شد، چون در امر هلال سخت گیری می کردند و مثل امروزه نبوده و اگر هم شک کنیم، اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال.

ان قلت: ممکن است گاهی حکام سخت گیری کنند و یک روز دیرتر در عرفه بروند، ولی برای شیعه زودتر ثابت شود، در این جا نیامده که ائمه علیهم السلام زودتر وقوف کرده اند.

قلت: ممکن است ایشان جواب دهد که چنین فرضی پیش نمی آمده است و شاید اگر چنین فرضی پیش می آمده، زودتر به عرفات می رفته اند و یا اصلا حج نمی رفته اند و لذا این گونه وجود سیره تصحیح نمی­شود.

### استدلال محقق خوئی به روایت ابی الجارود

محقق خوئی به روایت ابی الجارود هم تمسک کرده: وَ عَنْهُ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع إِنَّا شَكَكْنَا- سَنَةً فِي عَامٍ مِنْ تِلْكَ الْأَعْوَامِ فِي الْأَضْحَى- فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع- وَ كَانَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يُضَحِّي- فَقَالَ الْفِطْرُ يَوْمُ يُفْطِرُ النَّاسُ- وَ الْأَضْحَى يَوْمُ يُضَحِّي النَّاسُ- وَ الصَّوْمُ يَوْمُ يَصُومُ النَّاسُ.[[2]](#footnote-2)

#### مناقشه

و لکن استدلال به این روایت بر مطلوب نیز ناصواب است، زیرا؛

اولا: ابی الجارود ثقه نیست و لذا روایت از جهت سند ضعیف است.

ثانیا: معلوم نیست ناس به معنای عامه در مقابل شیعه باشد، ناس به معنای مردم است و شیعه هم داخل در ناس است، گاهی برای شخصی بخصوصه هلال ثابت شده و گفته می شود تو به وظیفه ات عمل کن، اما دیگران به مردم نگاه می کنند، نه این که به عامه نگاه کنند، بلکه به عموم مردم نگاه می کنند.

صحیحه علی بن جعفر: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ع عَنِ الرَّجُلِ- يَرَى الْهِلَالَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَحْدَهُ- لَا يُبْصِرُهُ غَيْرُهُ أَ لَهُ أَنْ يَصُومَ قَالَ إِذَا لَمْ يَشُكَّ فَلْيُفْطِرْ وَ إِلَّا فَلْيَصُمْ مَعَ النَّاسِ[[3]](#footnote-3).

مفاد این نقل نیز این است که این شخص در آخر ماه رمضان هلال را دیده و سوال شده که آیا روزه بگیرد یا نه، با این که دیگران ندیده اند، در جواب حضرت فرمودند اگر از ندیدن مردم به شک نیفتند، باید افطار کند، و گرنه باید با مردم روزه بگیرد، قطعا در این جا ناس به معنای عامه نیست، در روایت ابی الجارود هم شاید به این معنا باشد که با یک نفر که مطلب ثابت نمی شود، باید برای مردم روز فطر و قربان ثابت شود، و گرنه ثبوت ماه برای یک نفر که برای دیگران کافی نیست و شاهدش این که کسی ملتزم نمی شود که در ماه رمضان تابع عامه هستیم.

لذا روایت می گوید بعض اصحاب عید قربان گرفته و حضرت می فرماید این کافی نیست، یعنی گفته یک نفر برای دیگران کافی نیست، ولی ربطی به حج ندارد.

قرینه دیگر نیز این است که در روایت دیگر ابی الجارود آمده: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ الْعَبْدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ع يَقُولُ صُمْ حِينَ يَصُومُ النَّاسُ وَ أَفْطِرْ حِينَ يُفْطِرُ النَّاسُ- فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الْأَهِلَّةَ مَوَاقِيتَ[[4]](#footnote-4).

این تعلیل نمی سازد با این که مقصود از ناس، عامه باشد، بلکه ظاهر روایت این است که هلال، میقات مردم است و معنا ندارد که یک نفر ماه را ببیند و دیگران نبینند و برای آن ها کافی باشد، لذا باید سراغ مردم رفت، نه دنبال افراد شاذ.

لذا نظر فقهی آیت الله سیستانی این است که وقوف با عامه مطلقا مجزی نیست، حتی در فرض احتمال موافقت، البته این نظر قطعی ایشان است، اما در صورت احتمال موافقت برای مکلفین احتیاط واجب داده اند که قابل رجوع باشد.

### کلام مرحوم آیت الله شاهرودی

مرحوم آیت الله سید محمود شاهرودی نیز ظاهرا همین نظریه را قائل است و به برخی روایات هم استدلال می کرده است: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا تَقُولُ فِي الصَّوْمِ- فَإِنَّهُ قَدْ رُوِيَ أَنَّهُمْ لَا يُوَفَّقُونَ لِصَوْمٍ- فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَةُ الْمَلَكِ فِيهِمْ- قَالَ فَقُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ- قَالَ إِنَّ النَّاسَ لَمَّا قَتَلُوا الْحُسَيْنَ ع أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَلَكاً يُنَادِي- أَيَّتُهَا الْأُمَّةُ الظَّالِمَةُ الْقَاتِلَةُ عِتْرَةَ نَبِيِّهَا- لَا وَفَّقَكُمُ اللَّهُ لِصَوْمٍ وَ لَا فِطْر[[5]](#footnote-5)ٍ.

روایت دیگر: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ لَطِيفٍ التَّفْلِيسِيِّ عَنْ رَزِينٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَمَّا ضُرِبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع بِالسَّيْفِ فَسَقَطَ- ثُمَّ ابْتَدَرَ لِيَقْطَعَ رَأْسَهُ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ- أَلَا أَيَّتُهَا الْأُمَّةُ الْمُتَحَيِّرَةُ الضَّالَّةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا- لَا وَفَّقَكُمُ اللَّهُ لِأَضْحًى وَ لَا لِفِطْرٍ- قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَلَا جَرَمَ وَ اللَّهِ- مَا وُفِّقُوا وَ لَا يُوَفَّقُونَ حَتَّى يُثْأَرَ بِثَأْرِ الْحُسَيْنِ ع[[6]](#footnote-6).

#### نقد کلام مرحوم آیت الله شاهرودی

البته ما ملاحظاتی نسبت به این مطالب داریم، این دو روایت اخیر هم ضعف سندی دارد و هم ظاهرش این است که این روایت سلب توفیق معنوی از امت را می گوید، یعنی توفیق معنوی درک اضحی و فطر را ندارند، و گرنه قطعا در بعضی سنین حکم عامه مطابق با واقع بوده است.

#### نقد کلام آیت الله سیستانی

این که بگوییم عامه در آن زمان سخت گیر بوده اند، خلاف واقع است، چون بعضی سال ها مسلما هوا ابری بوده و در هوای ابری همه فقهاء عامه متفقند که با شهادت عدلین یا عدل واحد، هلال ثابت می شود، این عدلین یا عدل واحد نیز انسان های فاسقی بوده اند و در نهایت امیر الحاج که خود نوعا فاسق بوده به استناد شهادت دو فاسق حکم می کرده و قطعا برای شیعه قطع به ثبوت هلال از این طریق حاصل نمی­شده است، کما این که در هوای صاف هم عده ای برای حاکم فاسق شهادت می داده اند، این که برای شیعه اطمینان نمی آورده است.

علاوه بر این که در مدینه و مکه فقه مالک حاکم بوده که بین هوای صاف و غیر صاف فرق نمی­گذاشته و به شهادت عدلین هم هلال را ثابت می دانسته است.

لذا این احتمال که گفته شود در طول 250 سال هر آن چه عامه به آن حکم می کرده اند، برای شیعه هم ثابت می شده، یکاد یلحق بانیاب اغوال.

1. [مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ ج‌2؛ 391؛ المقصد الأول في الإحصار و الصد ؛ ج 2، ص : 386](http://lib.eshia.ir/10151/2/391/%D9%84%D9%88_%D9%88%D9%82%D9%81_%D8%A7%D9%84%D8%B9%D8%A7%D9%85%D9%87) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج10، ص133، أبواب جواز الإفطار للتقیة...، باب57، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/10/133/%D8%B4%DA%A9%DA%A9%D9%86%D8%A7) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج10، ص260، أبواب أن من انفرد برؤیة الهلال..، باب4، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/10/260/%DB%8C%D8%A8%D8%B5%D8%B1%D9%87) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج10، ص293، أبواب ثبوت رؤیة الهلال بالشیاع...، باب12، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/10/293/%D9%85%D9%88%D8%A7%D9%82%DB%8C%D8%AA) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج10، ص295، أبواب عدم جواز التعویل علی قول المخالفین...، باب13، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/10/295/%D8%AF%D8%B9%D9%88%D8%A9) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج10، ص295، أبواب عدم جواز التعویل علی قول المخالفین...، باب13، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/10/295/%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%AF) [↑](#footnote-ref-6)